

فصل نوزدهم - در هبه

ماده 795

ماده 795 - هبه عقدی است که بموجب آن یکنفر مالی را مجاناً بکس دیگری تملیک میکند، تملیک‌کننده واهب، طرف دیگر را مُتَّهَب، مالی را که مورد هبه است عین موهوبه میگویند.

ماده 796

ماده 796 - واهب باید برای معامله و تصرف در مال خود اهلیت داشته باشد.

ماده 797

ماده 797 - واهب باید مالک مالی باشد که هبه می‌کند.

ماده 798

ماده 798 - هبه واقع نمیشود مگر با قبول و قبض مُتَّهَب اعم از اینکه مباشر قبض خود مُتَّهَب باشد یا وکیل او و قبض بدون اذن واهب اثری ندارد.

ماده 799

ماده 799 - در هبه بصغیر یا مجنون یا سفیه قبض ولیّ معتبر است.

ماده 800

ماده 800 - در صورتیکه عین موهوبه در ید مُتَّهَب باشد محتاج بقبض نیست.

ماده 801

ماده 801 - هبه ممکن است معوض باشد و بنابراین واهب میتواند شرط کند که متَّهَب مالی را باو هبه کند یا عمل مشروعی را مجاناً بجا آورد.

ماده 802

ماده 802 - اگر قبل از قبض واهب یا متَّهَب فوت کند هبه باطل میشود.

ماده 803

ماده 803 - بعد از قبض نیز واهب میتواند بابقاء عین موهوبه از هبه رجوع کند مگر در موارد ذیل:

(1) در صورتیکه مُتَّهَب پدر یا مادر یا اولاد واهب باشد.

(2) در صورتیکه هبه معوض بوده و عَوْض هم داده شده باشد.

(3) در صورتیکه عین موهوبه از ملکیت مُتَّهَب خارج شده یا متعلق حق غیر واقع شود خواه قهراً مثل اینکه عین موهوبه برهن داده شود.

(4) در صورتیکه در عین موهوبه تغییری حاصل شود.

ماده 804

ماده 804 - در صورت رجوع واهب نِمَآت عین موهوبه اگر متَّصل باشد مال واهب و اگر منفصل باشد مال مُتَّهَب خواهد بود.

ماده 805

ماده 805 - بعد از فوت واهب یا مُتَّهَب رجوع ممکن نیست.

ماده 806

ماده 806 - هر گاه داین طلب خود را بمدیون ببخشد حق رجوع ندارد.

ماده 807

ماده 807 - اگر کسی مالی را بعنوان صدقه بدیگری بدهد حق رجوع ندارد.

قسمت سوم - در اخذ بشفعه

ماده 808

ماده 808 - هر گاه مال غیرمنقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصّه خود را بقصد بیع بشخص ثالثی منتقل کند شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده باو بدهد و حصّه مَبِيعه را تَمْلُک کند.

این حق را حق شُفعه و صاحب آن را شفیع میگویند.

ماده 809

ماده 809 - هر گاه بنا و درخت بدون زمین فروخته شود حق شُفعه نخواهد بود.

ماده 810

ماده 810 - اگر ملک دو نفر در مَمَرّ یا مجرا مشترک باشد و یکی از آنها ملک خود را با حق مَمَرّ یا مجرا بفروشد دیگری حق شُفعه دارد اگر چه در خود ملک مشاعاً شریک نباشد، ولی اگر ملک را بدون مَمَرّ یا مجرا بفروشد دیگری حق شُفعه ندارد.

ماده 811

ماده 811 - اگر حصّه یکی از دو شریک وقف باشد مُتَوَلّی یا موقوف علیهم حق شُفْعَه ندارد.

ماده 812

ماده 812 - اگر مَبِيع متعدّد بوده و بعض آن قابل شُفْعَه و بعض دیگر قابل شُفْعَه نباشد حق شُفْعَه را میتوان نسبت به بعضی که قابل شُفْعَه است بقدر حصّه آن بعض از ثَمَن اجرا نمود.

ماده 813

ماده 813 - در بیع فاسد حق شُفْعَه نیست.

ماده 814

ماده 814 - خیارى بودن بیع مانع از اخذ بشُفْعَه نیست.

ماده 815

ماده 815 - حق شُفْعَه را نمیتوان فقط نسبت بیک قسمت از مَبِيع اجرا نمود صاحب حق مزبور یا باید از آن صرف نظر کند یا نسبت بتمام مَبِيع اجرا نماید.

ماده 816

ماده 816 - اخذ بشُفْعَه هر معامله را که مشتری قبل از آن و بعد از عقد بیع نسبت بمورد شُفْعَه نموده باشد باطل مینماید.

ماده 817

ماده 817 - در مقابل شریکی که بحق شُفْعَه تَمَلُّک میکند مشتری ضامن دَرک است نه بایع لیکن اگر در موقع اخذ بشُفْعَه مورد شُفْعَه هنوز بتصرف مشتری داده نشده باشد شفیع حق رجوع بمشتری نخواهد

داشت.

ماده 818

ماده 818 - مشتری نسبت بعیب و خرابی و تلفی که قبل از اخذ بشُفعه در ید او حادث شده باشد ضامن نیست و همچنین است بعد از اخذ بشُفعه و مطالبه در صورتی که تَعَدّی یا تفریط نکرده باشد.

ماده 819

ماده 819 - نماآتی که قبل از اخذ بشُفعه در مَبیع حاصل میشود در صورتیکه منفصل باشد مال مشتری و در صورتی که متّصل باشد مال شفیع است، ولی مشتری میتواند بنائی را که کرده یا درختی را که کاشته قلع کند.

ماده 820

ماده 820 - هر گاه معلوم شود که مَبیع حین البیع معیوب بوده و مشتری آرَش گرفته است شفیع در موقع اخذ بشُفعه مقدار آرَش را از ثَمَن کسر میگذارد.

حقوق مشتری در مقابل بایع راجع بدَرک مَبیع همان است که در ضمن عقد بیع مذکور شده است.

ماده 821

ماده 821 - حق شُفعه فوری است.

ماده 822

ماده 822 - حق شُفعه قابل إسقاط است و إسقاط آن بهر چیزی که دلالت بر صرف نظر کردن از حق مزبور نماید واقع میشود.

ماده 823

ماده 823 - حق شُفعه بعد از موت شفیع به وارث یا وراث او منتقل میشود.

ماده 824

ماده 824 - هر گاه یک یا چند نفر از وراث حق خود را إسقاط کند باقی وراث نمیتوانند آن را فقط نسبت بسهم خود اجرا نمایند و باید یا از آن صرف نظر کنند یا نسبت بتمام مَبیع اجرا نمایند.

قسمت چهارم - در وصایا و ارث